

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۹

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی
سال دوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۳

روایات «خشونت مهدوی» در بونه نقد

محمدتقی دیاری بیدگلی*

داود ملاحسنی**

چکیده

نوشتار پیش رو به بیان سه دیدگاه متفاوت درباره قیام مهدی موعود^ع پرداخته است؛ دیدگاه نخست که دیدگاهی افراطی است، مسئله اصلی این پژوهش به شمار می آید و درباره آن می توان گفت متأسفانه ذهنیت رایج مسلمانان این است که حضرت مهدی^ع با چهره ای خشن ظهور می کند و جمعیتی درخور توجه از مخالفان خویش را به قتل می رساند. در مقابل این دیدگاه، برخی دیگر معتقدند به هنگام ظهور حضرت، هرگز از جنگ با مخالفان خبری نیست و حتی به اندازه حجامت نیز خون ریزی رخ نمی دهد. در این نوشتار، با بررسی سندی و دلالتی روایات، به نقد و بررسی این دو دیدگاه نادرست پرداخته ایم و با مدد از روایات صحیح، درمی یابیم که سیره حضرت مهدی^ع همان سیره رسول خدا^ص و امیرالمؤمنین^ع خواهد بود؛ آن حضرت ابتدا به روشن گری و هدایت مخالفان می پردازد، آن گاه با دشمنان و ناهلان می جنگد و زمین را از لوث وجود آنان خالی می کند و عدل و داد را در تمام عالم فراگیر می سازد.

واژگان کلیدی

مهدویت، خشونت، قتل، قیام به سیف، آخرالزمان، آسیب شناسی روایات.

* دانشیار دانشگاه قم.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسؤول) (elmdoost@yahoo.com).

مبحث مهدویت، بحثی مشترک میان تمامی ادیان و مذاهب است و همگی منتظر منجی ای هستند که با آمدن وی تمامی جهان پراز عدل و داد شود. باید گفت در این میان دشمنان و فرصت طلبان نیز وارد این بحث مهم شده و هریک به فراخور حال خویش بر این بحث، خدشه ای وارد کرده و کوشیده اند آن را منحرف ساخته و چهره قیام و عدالت فراگیر امام عصر علیه السلام را مخدوش سازند. سوگمندان باید گفت ذهنیت رایج مسلمانان آن است که حضرت مهدی علیه السلام با چهره ای خشن ظهور می کند و با تکیه بر شمشیر و قتل و کشتار مخالفان خود، موفق به تشکیل حکومت و کسب قدرت می شود. این ذهنیت و تصور از چهره حضرت، ریشه در روایاتی دارد که در برخی کتاب ها نقل شده است و گاه بر روی منبرها برای مردم بازگو می شود. بر اساس برخی از این روایات - که از لحاظ سندی و متنی دچار مشکل جدی هستند - حضرت مهدی علیه السلام به هنگام ظهور، چنان با خشونت و درشتی با مردم رفتار می کند و کشتار و خون ریزی به راه می اندازد که بیشتر آنان آرزو می کنند که ای کاش هرگز او را نبینند و عده ای دیگر نیز نسبت به ایشان دچار تردید شده و حضرت را از آل محمد علیهم السلام نمی دانند.

نوشتار پیش رو، در مقام بررسی این گونه روایات و پاسخ گویی به پرسش های ذیل است:

۱. چگونه و با چه معیاری می توان صحت و سقم روایات بیان گر قیام همراه با خشونت و کشتار امام مهدی علیه السلام را شناخت؟

۲. مصادر و اسانید روایاتی که دال بر قیام به سیف امام مهدی علیه السلام و همراه با خشونت است، تا چه حد معتبر و قابل پذیرش هستند؟

۳. امام مهدی علیه السلام در رویارویی با ظلم و بیدادگری ها از چه شیوه ای بهره می گیرد؟ در مقام پاسخ به این پرسش ها می توان چنین فرضیاتی را ارائه کرد و به بررسی آن ها پرداخت:

- با بررسی دلالتی و سندی روایات و ... که بیان گر قیام همراه با درگیری و کشتار افراطی است مشخص می شود این روایات دارای مشکل جدی هستند.

- آیا دیدگاهی که قیام امام مهدی علیه السلام را بدون هیچ گونه درگیری می داند، پذیرفتنی و قابل اثبات است؟

- قیام امام مهدی علیه السلام همراه با جنگ و درگیری هایی برای هدایت و روشن گری است؛ اما این جنگ ها - آن گونه برخی افراد با استمساک از روایات ضعیف، بیان می کنند - به

صورت افراطی نیستند.

- حضرت به هنگام قیام با دشمنان حقیقی خداوند قاطعانه و با دوستان خدا با رأفت و مهربانی برخورد می‌کند.

گفتنی است برخی روایات وجود دارند که بیان گر جنگ‌ها و کشتارهای پیش از ظهور و برخی دیگر بیان گر کشتارهای پس از ظهور و حکومت حضرت - به اصطلاح مربوط به دوران رجعت - هستند که نباید به اشتباه این جنگ و کشتارها را به امام مهدی علیه السلام نسبت داد و چهره قیام ایشان را خشن جلوه داد.

روایات مربوط به خون‌ریزی‌ها و کشتارهای قبل و بعد از ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام
نخست به بیان نمونه‌ای از روایاتی که مربوط به جنگ و کشتار قبل و پس از ظهور و حکومت حضرت می‌پردازیم:

۱. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ مَوْتُ أَحْمَرٍ وَمَوْتُ أَبْيَضٍ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةِ خَمْسَةِ الْمَوْتِ الْأَحْمَرِ السَّيْفُ وَالْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونَ؛
(صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۶۵۵)

سلیمان بن خالد می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: پیش از قیام قائم علیه السلام دو مرگ و میر عمومی رخ دهد؛ یکی مرگ سرخ و دیگر مرگ سپید، تا به جایی که از هر هفت تن، پنج تن برود. مرگ سرخ با شمشیر و مرگ سپید با طاعون است.

۲. عَنْ رُفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرَهُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام وَأَصْحَابِهِ - وَيَزِيدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ وَأَصْحَابِهِ - فَيَقْتُلُهُمْ حَذْوُ الْقُدَّةِ بِالْقُدَّةِ؛ (عباشی، بی تا: ج ۲، ۲۸۲، ح ۲۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا اولین کسی که به دنیا رجعت می‌کند امام حسین علیه السلام به همراه یارانش و یزید بن معاویه نیز به همراه یارانش است. سپس امام علیه السلام آن‌ها را موبه مو می‌کشد.

بررسی روایات

با اندکی تأمل می‌توان دریافت که دو روایت فوق مربوط به جنگ و کشتار در زمان غیرظهور و حکومت امام مهدی علیه السلام است و روشن است که روایت اول، به کشتارهای پیش از ظهور و روایت دوم به درگیری‌های پس از ظهور مربوط است، اما - چنان‌که گفته شد - نباید این جنگ‌ها را به ایشان نسبت داد.

روایات بیان‌گر کشتار و خون‌ریزی در عصر ظهور و نقد و بررسی آن‌ها

۱. روایت محمد بن مسلم

۱-۱. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَضْرَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِأَحَبِّ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا يَرَوْهُ مِمَّا يَقْتُلُ مِنَ النَّاسِ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبِيدُ إِلَّا بِقَرْنَيْهِ فَلَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَجِمَ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۳۸، ب ۱۳، ح ۱۸)

محمد بن مسلم می‌گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می‌فرمود: اگر مردم می‌دانستند هنگامی که قائم علیه السلام خروج کند چه خواهد کرد، بیشتر آنان دوست می‌داشتند او را ملاقات نکنند، پس که خواهد کشت! بدانید که او شروع نخواهد کرد، مگر با قریش و از آنان جز شمشیر دریافت نمی‌کند و به قریش جز شمشیر ارزانی نمی‌دارد (معامله او با قریش تنها با شمشیر است) تا آن‌جا که بیشتر مردم می‌گویند: این مرد از تبار محمد نیست که اگر از آل محمد بود حتماً رحمت و دلسوزی می‌داشت.

بررسی روایت

برخی از این روایات نادرست توسط فردی به نام محمد بن علی کوفی نقل شده است که وی فردی بسیار بدنام و دروغ‌گوست و علمای رجال بر بی‌اعتباری روایات وی حکم کرده‌اند؛ این شخص در زمان امام حسن عسکری علیه السلام می‌زیسته و از معاصران جناب فضل بن شاذان بوده است. فضل بن شاذان از بزرگان روات شیعه و مورد عنایت امام حسن عسکری علیه السلام است. حال این شخص بزرگوار در وصف محمد بن علی کوفی می‌گوید: «رجلٌ كذابٌ؛ او مردی بسیار دروغ‌گوست.»

همچنین فضل درباره وی گفته است: «كِدْتُ أَقْنْتُ عَلَيْهِ؛ نزدیک بود در قنوت نماز لعن و نفرینش کنم» (طوسی، ۱۳۴۸: ۵۴۶).

۲-۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَهْرَانَ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَّيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: ... إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَسُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ وَ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلَ لَا يَسْتَبْقِي أَحَدًا وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيِّمٍ...؛

(نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۶۲، ب ۱۴، ح ۱۳)

هنگامی که آن حضرت خروج کند، با امری نوین و فرمانی جدید و طریقه‌ای نو و حکمی تازه قیام خواهد کرد. برعرب سخت گران است. او را کاری جز کشتار نباشد و هیچ یک را باقی نگذارد و در راه خدا سرزنش هیچ ملامت‌کننده‌ای او را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.

بررسی روایت

برخی دیگر از این روایات ضعیف توسط فردی به نام علی بن ابی حمزه بطائنی نقل شده است که از سران و بزرگان واقفیه به شمار می‌آید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۰). شیخ طوسی نیز به واقفی بودن وی اشاره کرده (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۸۳) و ابن غضائری نیز او را مورد لعن قرار داده است (واسطی بغدادی، ۱۴۲۲: ۸۳). از این رو این راوی نمی‌تواند مورد اعتماد باشد.

علاوه بر وجود علی بن ابی حمزه در سند این روایت، احمد بن محمد بن سعید نیز وجود دارد که وی فردی زیدی جارودی است (طوسی، ۱۴۱۷: ۶۹). همچنین حسن بن علی بن ابی حمزه از دیگر روایان این روایت نیز فردی کذاب و غالی^۱ است (طوسی، ۱۳۴۸: ۴۴۳).

۲. روایت ابوهریره

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ فَيَقْتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى يَخْتَبِئَ الْيَهُودِيُّ وَرَاءَ الْحَجَرِ أَوْ الشَّجَرَةِ فَيَقُولُ الْحَجَرُ أَوْ الشَّجَرُ: يَا مُسْلِمُ! يَا عَبْدَ اللَّهِ! هَذَا يَهُودِيٌّ خَلْفِي فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ، إِلَّا الْعَرَقَدَ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْيَهُودِ؛ (شيباني، بی تا: ج ۲، ۴۱۷)

قیامت برپا نمی‌شود تا این که مسلمانان با یهودیان به جنگ بپردازند. سپس مسلمانان به کشتار آن‌ها می‌پردازند، به طوری که یهودیان پشت سنگ یا درخت پنهان می‌شوند؛ سپس آن سنگ یا درخت می‌گوید: ای مسلمان، ای بنده خدا، همانا این یهودی است که پشت من پنهان است؛ پس بیا و او را بکش، به جز غرقد^۲ که آن درخت از یهودیان است.

۱. غالی: کسانی هستند که در مقام ائمه علیهم‌السلام غلو نموده و آنان را تا سرحد مقام الوهیت رسانده‌اند. (شهرستانی، ۱۴۰۲:

ج ۱، ۱۷۴)

۲. غرقد: درختی بزرگ از خانواده بوته‌های خاردار است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۳، ۳۳۵)

زشتکاران قریبش آرزو می‌کنند که ای کاش دنیا و هرآن چه در آن است از آن ایشان بود و آن را فدا می‌دادند تا گناهانشان بخشوده شود، ولی دست از ایشان برنخواهیم داشت تا آن‌که خداوند راضی شود.

بررسی روایت

راوی ضعیفی که در سند این روایت به چشم می‌خورد، فردی به نام أبو جارود است. امام باقر علیه السلام به این فرد نسبت سرحوب را داده که سرحوب نام شیطانی کوراست که در دریا زندگی می‌کند (طوسی، ۱۳۴۸: ۲۹۹). همچنین این شخص مذهب زیدیه دارد (همو، ۱۴۱۷: ۲۰۴). افزون بر این، روایت یادشده مهمل^۱ نیز هست؛ زیرا نام و توصیف یکی از روایت‌سند به نام قاسم بن ولید همدانی، در کتب رجالی موجود نیست. همچنین محمد بن حسن بن جمهور - که طبق نظر آیت‌الله خویی همان محمد بن جمهور است (موسوی خویی، ۱۴۰۳: ج ۱۵، ۱۷۸) - شخصی فاسدالمذهب و ضعیف است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۷).

۴. روایت عبد الصالح هروی

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحُسَيْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عليه السلام: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! مَا تَقُولُ فِي حَدِيثِ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِيَّ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام بِفِعَالٍ آبَائِهِمْ؟ فَقَالَ عليه السلام: هُوَ كَذَلِكَ. فَقُلْتُ: فَقَوْلُ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ -: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ مَا مَعْنَاهُ؟ فَقَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ لَكِنَّ ذَرَارِيَّ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ يَرِضُونَ أَفْعَالَ آبَائِهِمْ وَيَفْتَخِرُونَ بِهَا وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي الْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِيَ عِنْدَ اللَّهِ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَإِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعَالٍ آبَائِهِمْ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنِي سَيِّدِ الْقَائِمِ فِيمِهِمْ إِذَا قَامَ؟ قَالَ: يَبْدَأُ بِنِسْبَةِ شَيْبَةَ وَيَقْطَعُ أَيْدِيَهُمْ لِأَنَّهُمْ سُرَّاقُ بَيْتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۲۹، ب ۱۶۴، ح ۱)

احمد بن زیاد بن جعفر همدانی از علی بن ابراهیم، از پدرش، از عبدالسلام بن صالح هروی نقل می‌کند و می‌گوید: به ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، درباره روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و آن حضرت فرمود: «هرگاه حضرت قائم علیه السلام خروج کنند فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را به سبب کردار پدرانشان

۱. مهمل: حدیثی است که در سلسله سند آن، نام برخی از راویان در کتب رجالی ذکر نشده باشند (مدیرشانه چی،

می‌کشد» چه می‌فرمایید؟ حضرت فرمود: واقع همین است. عرض کردم: پس معنای فرموده خداوند: «هیچ کس بارگناه دیگری را به دوش نگیرد» چیست؟ فرمود: خداوند در تمام اقوالش صادق است، ولی در عین حال باید توجه داشته باشی که فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام به افعال و کردار پدرانشان راضی بوده و به آن‌ها افتخار می‌کردند و به مقتضای «کسی که به چیزی راضی باشد همچون شخصی است که آن چیز را انجام داده» فرزندان قاتلان همچون قاتلان سید الشهداء هستند و اگر شخص در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب راضی و خشنود باشد، راضی به قاتل نزد خدا شریک در قتل به شمار می‌آید و چون این فرزندان به کردار پدرانشان راضی هستند، ناگزیر وقتی حضرت قائم علیه السلام خروج کند، آنان را می‌کشد. راوی می‌گوید: عرض کردم: چرا وقتی حضرت قیام فرماید، ابتدا آنان را می‌کشد؟ فرمود: حضرت قائم علیه السلام ابتدا بنی شیبه را می‌کشد، بدین گونه که دست‌هایشان را قطع می‌کند؛ زیرا آنان سارقان بیت‌الله - عز و جل - هستند.

بررسی روایت

اولاً سند این روایت منقطع و ناشناخته است؛ زیرا احمد بن زیاد همدانی از علی بن ابراهیم و او از پدرش (ابراهیم بن هاشم) و ابراهیم از عبدالسلام بن صالح هروی نقل کرده است و باید روایت بیش از چهار راوی داشته باشد تا به امام علیه السلام برسد. قطعاً افراد دیگری در زنجیره سلسله سند بوده‌اند که اکنون معلوم نیست چه کسانی هستند. ثانیاً، مضمون روایت با محکمت قرآن و فقه اسلامی و عقل منافات دارد؛ زیرا مجازات یک شخص راضی به قتل، شرعاً و عقلاً قصاص وی نیست.

۵. روایت مفضل بن عمر

رُوی فی بعض مؤلفات أصحابنا عن الحسين بن حمدان عن محمد بن إسماعيل و علي بن عبد الله الحسيني عن أبي شعيب و محمد بن نصير عن عمرو (عمر) بن الفرات عن محمد بن المفضل عن المفضل بن عمر (عن ابی عبدالله): ...كُلَّ رَيْنٍ وَ حُبِّثٍ وَ فَاحِشِيَّةٍ وَ إِثْمٍ وَ ظَلَمٍ وَ جَوْرٍ وَ عَشْمٍ مُنْذُ عَهْدِ آدَمَ عليه السلام إِلَى وَ قْتِ قِيَامِ قَائِمِنَا عليه السلام كُلِّ ذَلِكَ يُعَدِّدُهُ عليه السلام عَلَيْهِمَا وَيَلْزِمُهُمَا إِيَّاهُ فَيَعْتَرِفَانِ بِهِ ثُمَّ يَأْمُرُهُمَا فَيَقْتَضُ مِنْهُمَا فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ بِمِطَالِمٍ مَنْ حَضَرْتُمْ يَصْلِبُهُمَا عَلَى الشَّجَرَةِ وَيَأْمُرُنَا نَارًا تَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ فَتُحْرِقُهُمَا... لِيَقْتَضَنَّ مِنْهُمَا لِحْمِيعَهُمْ حَتَّىٰ إِتْمَامَا لِقِتْلَانِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ قِتْلَةٍ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۴، ب ۲۸)

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی علیه السلام پس از بیرون آوردن جنازه‌های ابوبکر و عمر از قبر و به دار آویختن آن‌ها دستور می‌دهد آنان را با آتشی که از زمین بیرون می‌آید بسوزانند

و سپس باد سیاهی می وزد و خاکستر آن‌ها به دریا ریخته می‌شود و این کار در هر روز و شب هزار مرتبه تکرار می‌شود. همچنین همه گناهان خلیق از ابتدای عالم تا روز قیام مهدی علیه السلام به حساب ابوبکر و عمر است و آن‌ها باید عذاب همگی را تحمل کنند.

بررسی روایت

در سند روایت آمده است که علامه مجلسی این روایت را از کتاب یکی از اصحاب نقل کرده که نام وی معلوم نیست. همچنین در سند روایت، نام مفضل بن عمر وجود دارد که این شخص، هم مدح شده و هم مورد طعن واقع گردیده است. شیخ مفید درباره وی گفته است: «او از شیوخ اصحاب امام صادق علیه السلام و از ثقات فقهای صالح به شمار می‌آید. (مفید، ۱۴۱۳ - الف: ج ۲، ۲۱۶)»، ولی نجاشی درباره‌اش می‌گوید: «او فردی فاسدالمذهب و مضطرب الروایة است. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۱۶)» اما بنابر قاعده مورد قبول رجال در تعارض بین مدح و ذم، ذم مقدم است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۶۳: ۱۱۷).

درباره محمد بن نصیر - دیگر راوی این روایت - شیخ طوسی گفته است: «محمد بن نصیر مدعی رسالت و نبوت شد و قائل به تناسخ و مدعی ربوبیت امام هادی علیه السلام بود، و نکاح با محارم و همجنس‌بازی مردها را حلال می‌دانست. (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۹۸)» عمر بن فرات نیز فردی غالی معرفی شده (همو، ۱۳۷۳: ۳۶۲) و حسین بن حمدان فردی بسیار ضعیف و فاسدالمذهب است (حلی، ۱۳۸۱: ۲۱۷). همچنین علی بن عبدالله حسنی فردی مجهول است. بنابراین در بی اعتباری این روایت و ضعف سندی آن هیچ تردیدی وجود ندارد و این روایت، هرگز قابل اعتماد نیست.

۶. روایت عبدالرحیم القصیر

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٌّ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (البرقي) عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَمَا لَوْ قَامَ قَائِمُنَا لَقَدْ رُدَّتْ إِلَيْهِ الْحُمَيْرَاءُ حَتَّى يَجْلِدَهَا الْحَدَّ وَ حَتَّى يَنْتَقِمَ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ فَاطِمَةَ عليها السلام مِنْهَا. فُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَلِمَ يَجْلِدُهَا الْحَدَّ؟ قَالَ: لِفَرْيَتِهَا عَلَى أُمِّ إِبْرَاهِيمَ. فُلْتُ: فَكَيْفَ أَخْرَهُ اللَّهُ لِلْقَائِمِ؟ فَقَالَ: لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا عليه السلام رَحْمَةً وَبَعَثَ الْقَائِمَ عليه السلام نِقْمَةً؛ (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۲، ۵۸۰، ۶۷۹، ح ۱)

عبدالرحیم قصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: وقتی قائم ما قیام می‌کند همانا حمیراء (عایشه) تحویل او داده می‌شود تا حد بر او جاری شود و نیز انتقام فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله از او گرفته شود. راوی می‌گوید: پرسیدم: فدای شما کردم! چرا بر عایشه

حد جاری می‌شود؟ فرمود: برای اتهامی است که به ام‌ابراهیم وارد کرد^۱. پرسیدم: چرا خداوند اجرای حد عایشه را تا زمان قائم علیه السلام به تأخیر انداخت؟ فرمود: زیرا خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را برای رحمت جهانیان مبعوث کرد و قائم علیه السلام را برای نعمت (انتقام و عذاب).

بررسی روایت

در سند روایت آمده که ماجیلویه از عمویش نقل کرده است. خود ماجیلویه فردی موثق است، اما عموی وی شناخته شده نیست. مراد از برقی، احمد بن محمد بن خالد برقی است که معروف است وی از ضعفا نقل می‌کرده و سند این سخن را در کتب رجالی می‌توان دید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۷؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۵۳). ابن غضائری نیز درباره وی گفته است: «اهل قم او را به خاطر کسانی که از آنان روایت نقل کرده است ملامت کرده‌اند. (واسطی بغدادی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۳۹)» محمد بن سلیمان (بصری یا دیلمی) نیز فردی متهم به غلو معرفی شده (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۴۳) و عبدالرحیم قصیر نیز توثیق نشده است.

افزون بر ضعف سندی این روایت که آن را ناپذیرفتنی کرده است، متن روایت نیز مخالف روایاتی است که حضرت مهدی علیه السلام را در خلق و صفات و سیره عملی همچون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نیز دارای ویژگی‌هایی از پیامبرانی چون ابراهیم، یوسف، ایوب، موسی و عیسی علیهم السلام توصیف می‌کنند.

هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بنا بر نص قرآن مجید «رحمة للعالمین» بود، چگونه آخرین خلیفه او به جای رحمت، نعمت برای جهانیان است؟ افزون بر این، پیامبر رحمت در اجرای حدود الهی میان خویشاوندان خود و سایر مسلمانان تفاوتی نمی‌گذاشت و اگر عایشه مستحق حد می‌بود، به طور قطع پیامبر صلی الله علیه و آله از اجرای آن کوتاهی نمی‌کرد.

پاسخی دیگر در نقد دیدگاه افراطی

در پاسخ به وهابی‌ها و پیروان مکتب سقیفه که این روایات ضعیف را مستمسک قرار می‌دهند تا مردم را نسبت به حضرت مهدی علیه السلام بدبین کنند باید گفت: چرا خود به پرونده خلفای سه‌گانه سری نمی‌زنند؟ حضرت مهدی علیه السلام برای اجرای عدالت، دنیاطلبان و زورمدارانی را که تسلیم حق نمی‌شوند، از سر راه اسلام و مسلمانان برخواهد داشت؛ اما خلفای سه‌گانه برای چه منظوری مردم را قتل عام می‌کردند؟

۱. مقصود کنیزی به نام ماریه قبطیه از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است که عایشه او را به زنا با مردی قبطی متهم کرد.

در تاریخ ۲۵ ساله حکومت خلفای سه‌گانه، کشتارهایی در کشورهای همسایه انجام شده است که در طول تاریخ سابقه نداشته‌اند. برای مثال، ابن اثیر درباره جنگ‌های خلیفه دوم با ایرانیان می‌نویسد:

فما كانت بين المسلمين والفرس وقعة أبقى رمة منها بقیت عظام القتلى دهرًا طويلاً و
كانوا يحزرون القتلى مائة ألف؛ (جزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۲۹۰)

هیچ جنگی بین مسلمانان و ایرانیان نبود که بعد از آن جنازه‌ها مانند این جنگ بر جای بماند؛ استخوان کشته‌ها مدتی طولانی باقی ماند و کشته‌ها را یکصد هزار نفر می‌دانستند.

روایات قیام بدون خون‌ریزی (دیدگاه تفریطی)

در مقابل دیدگاه افراطی که در بخش پیشین آمد و بررسی شد، دیدگاه دیگری به نام دیدگاه تفریطی وجود دارد که قائلان آن معتقدند امام زمان عجل الله فرجه به هنگام ظهور، از طریق ولایت و تصرف تکوینی همه خلایق را مطیع و مسخر می‌کند و امور را با اعجاز و به صورت غیر عادی انجام می‌دهد؛ از این رو کشتار و اعدام بسیار اندک خواهد بود و حتی به اندازه خون حجامت نیز خون‌ریزی نخواهد شد.

برای روشن شدن این مطلب و دریافت پاسخ، به احادیثی که در این باره وارد شده است می‌پردازیم:

۱. قَالَ الْوَلِيدُ: عَنْ أَبِي رَافِعٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رَافِعٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ، عَنْ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: تَأْوَى إِلَيْهِ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوَى النَّحْلَةُ يَعْسُو بِهَا، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْزًا، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ الْأَوَّلِ، لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَلَا يُهْرِيقُ دَمًا؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۵۸-۳۵۹، ح ۱۰۴۰)

امت وی به سوی او پناه می‌برند، آن چنان که زنبور عسل به ملکه‌اش پناه می‌برد. زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان که پر از ظلم و جور شده است تا این که مردم به حالت اولشان (امنیت) بازگردند. [به هنگام قیام او] هیچ در خواب فرو رفته‌ای را بیدار نمی‌کند و هیچ خون و خون‌ریزی به راه نمی‌اندازد.

بررسی روایت: این روایت، ضعیف و غیر قابل اعتماد است؛ زیرا یحیی بن معین از رجال یون اهل سنت درباره اسماعیل بن رافع، واژه ضعیف را به کار برده است (جرجانی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۸۰، ش ۱۱۹). همچنین در سند، عبارت مبهم «عَمَّنْ» وجود دارد که باعث ارسال و ضعف سند می‌شود.

۲. حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُفَ، عَنْ فِطْرِ بْنِ خَلِيفَةَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعُكْلِيِّ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: بَيَّاعُ الْمُهَدِيِّ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، لَا يُوفِّقُ نَائِمًا، وَلَا يَهْرِيقُ دَمًا؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۴۲-۳۴۳، ح ۹۹۱)

ابوهریره می گوید: با مهدی علیه السلام بین رکن و مقام بیعت می شود. وی نه در خواب فرورفته ای را بیدار می کند و نه قطره ای خون می ریزد.

بررسی روایت: اولاً این روایت، موقوف و غیرمسند به پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ ثانیاً درباره ضعیف بودن راوی آن - ابوهریره - پیش تر به تفصیل سخن گفته شد.

گفتنی است علاوه بر این که روایات بیان گر دیدگاه تفریطی خود از لحاظ سندی و دلالی مشکل جدی دارند و پذیرفتنی نیستند، این تفکر از سوی ائمه علیهم السلام نیز به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است که به موردی از آن اشاره می کنیم:

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ مِنْ كِتَابِهِ فِي صَفَرِ سَنَةِ أَرْبَعٍ وَسَبْعِينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَامِرِ بْنِ رَبِيعِ التَّقْفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ بَشِيرِ النَّبَالِ وَأَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْبَنْدَنِيحِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِي نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَشِيرِ بْنِ أَبِي أَرَاكَةَ النَّبَالِ وَ لَفْظُ الْحَدِيثِ عَلَى رِوَايَةِ ابْنِ عُقْدَةَ قَالَ: لَمَّا قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ انْتَهَيْتُ إِلَى مَنْزِلِ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام ... قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ فَلَا يَهْرِيقُ مِحْجَمَةَ دَمٍ. فَقَالَ: كَلًّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى تَمْسَحَ وَأَنْتُمْ الْعَرَقُ وَالْعَلَقُ وَأَوْسًا بِيَدِهِ إِلَى جَهَنَّمَ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۸۳، ب ۱۵، ح ۱)

بشیر بن ابی اراکه می گوید: هنگامی که به مدینه رسیدم، به خانه ابی جعفر علیه السلام گذرم افتاد ... عرض کردم: آنان (مرجئه) می گویند: چون این کار (ظهور) روی دهد، همه کارها برای او درست شود و به اندازه خون یک حجامت هم خون ریخته نخواهد شد. فرمود: هرگز چنین نیست! سوگند به آن کسی که جانم به دست اوست، کار به آن جا خواهد کشید که ما و شما عرق و خون بسته را پاک کنیم - و با دست خود به پیشانی خود اشاره کرد - .

نکته: علامه مجلسی در توضیح عبارت مسح عرق و علق گفته است:

این عبارت کنایه از سختی ها و دشواری های جنگ و درگیری است که موجب پدید آمدن عرق و ایجاد زخم های خونین می شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۵۷)

همسانی سیره امام عصر علیه السلام با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام (بررسی دیدگاه صحیح)
احادیث صحیح و معتبری وجود دارند که به صراحت روش حکومتی حضرت ولی عصر علیه السلام

را همان روش حکومتی رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ معرفی می کنند. نمونه‌ای از این روایات به شرح زیر است:

حَدَّثَنَا شَيْخُنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ - رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ - قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ حُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْقَلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلُ بَيْتِي وَمَهْدِيُّ أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ: (خزازی، ۱۴۰۱: ۱۰-۱۱)

پیامبر ﷺ می فرماید: نهمین فرزند او (امام حسین ﷺ) قائم اهل بیت من است و مهدی امت من شبیه‌ترین مردم نسبت به من در شمایل و گفتار و کردار است.

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ ﷺ فَقُلْتُ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ﷺ بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ: يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۳۲، ب ۱۳، ح ۱۷)

عبدالله بن عطا می گوید: از امام باقر ﷺ سؤال کردم: حضرت حجت ﷺ پس از ظهور، چه سیره و روشی در حکومت خواهد داشت؟ فرمود: مانند رسول خدا ﷺ؛ تمام آن چه راکه به نام اسلام بر دنیا حاکم است از بین خواهد برد و اسلام را از نو عرضه خواهد کرد.

به فرموده قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ با نرمی و بدون خشونت، سنت‌های اشتباه پیش از خود را بی اعتبار کرد (آل عمران: ۱۵۹). این سیره پیامبر ﷺ با همه مردم بود و حتی با کافران نیز این‌گونه رفتار می کرد و این رفتار آن حضرت به مسلمانان اختصاص نداشت. امام زمان ﷺ نیز درباره کافران همان سیره را به کار خواهد بست و روشن است که اگر آن حضرت با غیرمسلمانان با لطف و مهربانی برخورد کند، با مسلمانان به طریق اولی مهربان خواهد بود. اکنون که برای ما روشن شد سیره امام مهدی ﷺ همان سیره رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ است، باید بینیم سیره این بزرگواران در رویاری با دشمنان چگونه بوده است تا آن روش و سیره را برای حضرت مهدی ﷺ نیز قائل باشیم.

۱. حضرت علی ﷺ می فرماید:

أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ التَّصَرُّبَ بِالْجُورِ فِيمَنْ وُلِّيْتُ عَلَيْهِ؟ (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۸۳، خطبه ۱۲۶)

آیا مرا فرمان می دهید تا پیروزی را بجویم با ستم کردن درباره آن‌که والی اویم؟

بی گمان حضرت مهدی علیه السلام نیز از همین روش پیروی خواهد کرد و امکان ندارد از راه ستم بخواهد حکومت بر مردم را به دست گیرد.

۲. وَ سَأَلَهُ (سَأَلَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَمَّا جِئَ دَخَلَ الْبَصْرَةَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! بِأَيِّ شَيْءٍ تَسِيرُ فِي هَؤُلَاءِ؟ فَقَالَ: بِالْمَنِّ وَالْعَفْوِ كَمَا سَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَهْلِ مَكَّةَ حِينَ افْتَتَحَهَا بِالْمَنِّ وَالْعَفْوِ؛ (مغربی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۳۹۴)

چون امام علی علیه السلام داخل بصره شد عمار به حضرتش عرض کرد: ای امیرمؤمنان، با این‌ها چگونه رفتار خواهی کرد؟ حضرت فرمود: با گذشت و رحمت، هم چنان که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وقتی مکه را فتح کرد با گذشت و رحمت با آن‌ها رفتار نمود.

۳. امیرالمؤمنین علیه السلام در پگاه روز یازدهم جمادی الاولی، در حالی که در میمینه سپاهش مالک اشتر و در میسره آن عمار یاسر حضور داشت و پرچم به دست فرزندش محمد حنفیه بود، به سمت سپاه جمل حرکت کرد. آن‌گاه بر جایگاهی ایستاد و با صدای بلند خطاب به سپاه خود فرمود: «شتاب نکنید تا بر آن‌ها حجت اقامه کنم.» سپس ابن عباس را فراخواند و قرآنی به او داد و فرمود: «این قرآن را به سوی طلحه، زبیر و عایشه ببر و آن‌ها را به آن چه در آن است فرا خوان و به طلحه و زبیر بگو: آیا شما با اختیار با من بیعت نکردید؟ پس چه چیز سبب شد بیعت مرا بشکنید، در حالی که این قرآن میان من و شما حکم می‌کند؟»

ابن عباس می‌گوید: به خدا سوگند هنوز از جایم حرکت نکرده بودم که تیرهایشان همچون ملخ‌های پراکنده به سویم باریدن گرفت. به علی علیه السلام عرض کردم: «ای امیرمؤمنان، تاکی با ما چنین کنند؟ اجازه دهید از خود دفاع کنیم!» حضرت فرمود: «بگذارید بار دیگر بر آن‌ها حجت را تمام کنم.» سپس فرمود: «چه کسی این قرآن را می‌گیرد و آن‌ها را به آن فرا می‌خواند و بداند که کشته می‌شود و من ضمانت بهشت او را از سوی خداوند برعهده می‌گیرم؟» هیچ کس از جای خود برنخواست جز جوانی کم‌سن از عبدالقیس که قبایی سفید بر تن داشت و نامش مسلم بود. او گفت: «ای امیرمؤمنان، من این کار را انجام می‌دهم و جان خود را به خاطر خدا بر این کار می‌گزارم.» حضرت از سر دل سوزی از او روی برگرداند و فرمود: «چه کسی این قرآن را می‌گیرد و بر آن‌ها عرضه می‌کند و بداند که کشته می‌شود و بهشت برای اوست؟» مسلم دوباره سخن خود را تکرار کرد و گفت: «من چنین می‌کنم.» امام علیه السلام برای سومین بار سخن خود را تکرار کرد و غیر از آن جوان کسی به پا نخاست. علی علیه السلام قرآن را به او داد و فرمود: «به سوی آنان برو و قرآن را بر آن‌ها عرضه نما و به آن چه در قرآن است دعوتشان کن.» او حرکت کرد و

مقابل سچاه جمل ایستاد و قرآن را باز کرد و گفت: «این کتاب خداست، و امیرمؤمنان شما را به آن چه در آن است فرا می خواند.» عایشه گفت: «خداوند صورتش را زشت کند؛ با نیزه بزنیش!» سپاهیان نیز در نیزه زدن به او بر یکدیگر سبقت گرفتند و از هر سو نیزه اش زدند. امام علیه السلام در این حال آماده نبرد شد و پرچم را به فرزندش محمد بن حنیفه داد و در میان سپاه فریاد زد: «هیچ فراری را نکشید و مجروحی را از پا در نیاورید؛ پرده کسی را ندرید؛ زنی را نترسانید و کشته ای را مثله نکنید.» آن حضرت در حال سفارش به لشکر بود که مردی از اصحابش کشته شد. علی علیه السلام با دیدن این واقعه فرمود: «خدایا، تو شاهد باش!» (مفید، ۱۴۱۳ - ب: ۳۳۶-۳۴۲).

البته برخی از محققان بر این باورند که امام مهدی علیه السلام در مواجهه با خروج کنندگان بر آن حضرت، روشی متفاوت با روش امام علی علیه السلام بر خواهد گزید؛ یعنی حضرت مهدی علیه السلام به هنگام جنگ می تواند اموال آن ها را به غنیمت گیرد، خانواده شان را به اسارت ببرد و اسیران و فراریان و مجروحان شان را از پای در آورد؛ ولی حضرت علی علیه السلام به دلیل تقیه و مصلحت یارانش بعد از خود که گرفتار دشمن نشوند و دشمن با آن ها بدرفتاری نکند، در جنگ ها فراریان و مجروحان دشمن را تعقیب نمی کرد و نمی کشت (نک: آبتی، ۱۳۸۷: ۳۹)؛ اما این سخن، درخور تأمل و چه بسا نادرست باشد؛ زیرا احادیثی که این نظر را بیان و تقویت می کنند، از نظر سندی مشکل دارند و نمی توان به آن ها اعتماد کرد. برای نمونه به یکی از این روایات اشاره می کنیم:

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ: كَانَ لِي أَنْ أَقْتُلَ الْمُؤَلَّىَّ وَأَجْهَرَ عَلَى الْجَرِيحِ وَ لِكِنِّي تَرَكْتُ ذَلِكَ لِلْعَاقِبَةِ مِنْ أَصْحَابِي إِنْ جَرَحُوا لَمْ يُقْتَلُوا وَ الْقَائِمُ لَهُ أَنْ يَقْتُلَ الْمُؤَلَّىَّ وَيُجْهَرَ عَلَى الْجَرِيحِ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۳۷، ب: ۱۳، ح: ۱۵)

علی علیه السلام فرمود: مرا چنین حقی بود که فراریان از جبهه جنگ را بکشم و کارزخمی ها را یک سره کنم، ولی این کار را به ملاحظه آینده یاران نکردم، باشد که اگر آنان نیز زخمی شدند کشته نشوند و از برای قائم علیه السلام است که فراریان را بکشد و کارزخمی را یک سره کند.

بررسی روایت: این روایت توسط محمد بن علی الکوفی نقل شده که وی فردی بدنام و دروغ گوست و علمای رجال بر بی اعتباری روایات وی حکم کرده اند. که شرح حال وی پیش تر به تفصیل بررسی شد. افزون بر این، روایاتی وجود دارد که با مفاد این دسته از روایات معارض است.

چگونگی مقابله حضرت مهدی علیه السلام با دشمنان

بی‌گمان پیش از ظهور و مقارن با آن، ستمگرانی خون‌ریز بر دنیا حاکم‌اند که از هیچ جنایتی فرو نمی‌گذارند. حال، امامی که قیام می‌کند، در برابر این همه کج‌روی‌ها و بیدادگیری‌ها، چگونه برخورد کند تا جهان را پراز عدل و داد سازد؟ بی‌تردید، گروه‌های معاندی که دستشان به خون انسان‌ها آلوده است و حق مردم را غصب کرده‌اند یا پست و مقامشان به خطر افتاده، در مقابل حرکت اصلاح‌گرانه و نهضت امام، ایستادگی می‌کنند. بنابراین، امامی که قیام می‌کند و مأموریت تشکیل حکومت جهانی اسلام دارد، باید برای برطرف کردن موانع، برنامه داشته باشد.

امام عصر علیه السلام برای انتقام و خون‌خواهی از دشمنان اسلام و به ثمر رساندن انقلاب جهانی و اجرای حدود الهی و برقراری حکومت عدل جهانی، ناگزیر از جنگ خواهد بود و در مقابلش، دشمنان تا دندان مسلح و کج‌اندیشان دنیانگر، با در دست داشتن امکانات گسترده اقتصادی جهان و برخورداری از فناوری پیشرفته و سازمان‌دهی ارتش‌های قدرت‌مند، پرچم مخالفت برمی‌دارند و مانع مسیر اصلاح‌گرانه آن حضرت می‌شوند. از این رو پیش از قیام، جنگاوران دریادل و دستیارانی توان‌مند و کارآمد، به هدایت خاص و عام آن حضرت، تربیت می‌شوند و تعداد آنان در بعضی از روایات، سیصد و سیزده نفر و در برخی، ده هزار نفر و در تعدادی از آن‌ها، صد هزار نفر و... ذکر شده است.

امام صادق علیه السلام با اشاره به درگیری سپاه امام مهدی علیه السلام با سپاه سفیانی می‌فرماید:

وَيُولُونَ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى يَدْخُلَهُمُ آيَاتُ الْكُوفَةِ وَيُنَادِي مُنَادِيَهُ أَلَا لَا تَتَّبِعُوا مَوْلِيَاءُ وَلَا تَجْهَرُوا عَلَى جَرِيحٍ وَيَسِيرُ بِهِمْ كَمَا سَارَ عَلِيُّ عليه السلام يَوْمَ الْبَصْرَةِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۸۸)

و سپاه سفیانی می‌گریزند و امام مهدی علیه السلام آن‌ها را می‌کشد تا این که می‌گریزند و به خانه‌های کوفه پناه می‌برند. منادی آن حضرت فریاد برمی‌آورد: «هیچ فراری را تعقیب نکنید و مجروحی را از پا در نیاورید!» و با آنان همچون سیره امام علی علیه السلام در روز بصره رفتار می‌کند.

نتیجه

روایاتی که درباره جنگ و کشتار در حجم وسیع هستند، سه دسته‌اند که دو دسته از آن‌ها مربوط به زمان پیش از ظهور و تنها یک دسته مربوط به زمان ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام است و نباید این دو دسته را به پای حکومت حضرت گذاشت و بدان نسبت داد؛ و

اما روایاتی که به زمان ظهور امام عصر علیه السلام اختصاص دارند و چهره قیام آن حضرت را بسیار خشن نشان می دهند از لحاظ سندی و متنی با مشکل جدی مواجه اند و در این میان نقش پررنگ غالیان و راویان ضعیفی همچون علی بن اُبی حمزه و... را در نقل این روایات مشهود است. روایاتی که ناظر به دیدگاه تفریطی هستند، هم به دلیل مشکل سندی و دلالتی قابل پذیرش نیستند و هم ائمه علیهم السلام این دیدگاه را نادرست تلقی کرده و به شدت آن را مورد انتقاد قرار داده اند.

با توجه به روایات صحیح، سیره حضرت در مقابله با دشمنان، همان سیره جدّ بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام خواهد بود و اصولاً حضرت مهدی علیه السلام برای برقراری عدل - که خواسته طبیعی و فطری انسان هاست - خواهد آمد. بنابراین امکان ندارد به گونه ای رفتار کند که مردم آرزو کنند که ای کاش او را نبینند، یا به دلیل بی رحمی هایی که انجام می دهد، بگویند: او از آل محمد علیهم السلام نیست!

حضرت مهدی علیه السلام ابتدا به روشن گری شریعت حق و آموزه های الهی برای دشمنان می پردازد و آن ها را به حق دعوت می کند؛ سپس با دشمن حقیقی خدا و اهل بیت علیهم السلام که حتی پس از دعوت به حق نیز لجاجت کرده، به ظلم و اعمال نابکارانه خود ادامه می دهند وارد جنگ شده و آن ها را از بین می برد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- آیتی، نصرت الله، «بررسی تطبیقی سیره امام علی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام در رویارویی با اهل بغی»، *مجموعه مقالات چهارمین همایش بین المللی دکترین مہدویت (ج ۱)*، قم، مؤسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
- جدیدی نژاد، محمدرضا، *معجم مصطلحات الرجال و الدراریة*، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- جرجانی، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد أبو أحمد، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.
- جزری، عزالدین أبی الحسن علی بن محمد بن الأثیر، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: عبدالله القاضی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، *خلاصة الاقوال (رجال)*، تصحیح: سید محمد صادق بحر العلوم، قم، مکتبۃ الرضی، چاپ دوم، ۱۳۸۱ق.
- خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الاثر*، تحقیق: سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، نشر بیدار، ۱۴۰۱ق.
- ذہبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسه الرسالہ، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغہ*، تحقیق: صبحی صالح، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- شہرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی بکر احمد، *الملل و النحل*، تحقیق: محمد سیدکیلانی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۲ق.
- شبیبانی، احمد بن حنبل، *مسند احمد*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمۃ*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، ۱۴۰۵ق.
- _____، *علل الشرایع*، قم، مکتبۃ داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.

- طبسی، نجم‌الدین؛ سید حسن واعظی، «درنگی در روایات قتل‌های آغازین دولت مهدی (عج)»، مجله انتظار موعود، ش ۶، ۱۳۸۱ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- _____، الغیبة، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- _____، الفهرست، تصحیح: جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر الفقاهة، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- _____، رجال طوسی، تصحیح: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش، تفسیر عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مدیر شانه چی، کاظم، درایة الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
- مروزی، نعیم بن حماد، الفتن، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- معتزلی، (ابن ابی الحدید)، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
- مغربی (ابن حیون)، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، تحقیق: آصف فیضی، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح: مؤسسة آل البيت (ع)، قم، دارالمفید، ۱۴۱۳ ق - الف.
- _____، الجمل والنصرة لسيد العترة فی حرب البصرة، تحقیق: علی میرشرفی، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق - ب.
- منتظری، حسینعلی، موعود ادیان، تهران، خردآوا، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة، قم، مدینه العلم، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

- نجاشى، احمد بن على، *رجال النجاشى*، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعه لجامعة المدرسين، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- نعمانى، محمد بن ابراهيم، *الغیة*، تحقيق: فارس حسون، قم، انوارالهدى، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
- واسطى بغدادى، احمد بن حسين، *رجال ابن غضائرى*، تحقيق: سيد محمدرضا جلالى، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.